

## فرهنگ؟ دانشنامه؟ کارا؟ نغمه‌های ناساز

● حسن‌هاشمی میناباد

دانشگاه آزاد اسلامی اراک / h\_hashemi\_mi@yahoo.com

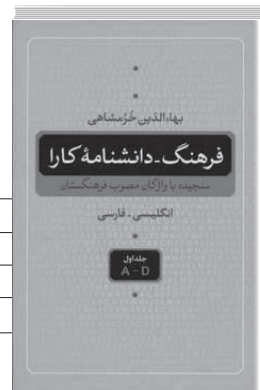
### چکیده

فرهنگ‌های دوزبانه خوب و نظام‌مند و کارآمد نقش انکارناپذیری در بهبود ترجمه و درک درست متن بیگانه دارند و در زمانه‌ای که دانش عمدتاً از ره‌گذر ترجمه از زبان‌های خارجی به‌ویژه انگلیسی به‌دست می‌آید، اهمیت این فرهنگ‌ها مضاعف می‌شود. در سال ۱۳۹۴ فرهنگ-دانشنامه کارا از استاد بهاء‌الدین خرمشاهی در چهار جلد متن اصلی (به همراه پیوست‌هایی) و یک جلد تکمله حاوی اصطلاحات تخصصی وارد بازار شد. استاد خرمشاهی سابقه دیرینی در تألیف و ترجمه و ویرایش واژه‌نامه‌ها دارند و طبعاً انتظار آن‌هایی که با آثارشان آشنا هستند این است که فرهنگی برتر و نظام‌مندتر و به‌سامان‌تر از فرهنگ‌های موجود عرضه کنند. نخستین نکته‌ای که با عنایت به تأکیدات مؤلف بر ایجاز، توجه نگارنده را جلب کرد حجم زیاد اطناب و تکرار اطلاعات به‌ویژه در پیوست‌های جلد چهارم و کل جلد پنجم است. فرهنگ-دانشنامه کارا دست و پیراستار فرهنگ‌نوشته‌ای را به خود ندیده و نایکدستی و رعایت نکردن اصول فرهنگ‌نگاری و بی‌بهرگی از انسجام از جمله مشکلات عمده این اثر است اما مهم‌ترین مسئله نداشتن روش است و نیز پای‌بند نبودن به سیاست‌ها و خط‌مشی‌هایی که خود مؤلف اتخاذ کرده است.

### کلیدواژه‌ها

فرهنگ دوزبانه، فرهنگ دانشنامه‌ای، بهاء‌الدین خرمشاهی، فرهنگ‌نگاری، یکدستی

خانم نوش‌آفرین انصاری در جایی فرمودند که تألیف هر کتاب مرجعی به مثابه ستونی است برای جامعه و فرهنگ کشور. پس هر قدر ستون‌های ایران‌مان بیش‌تر و استوارتر باشد بهتر است و امیدوارکننده‌تر. سال‌ها بود که به انتظار چاپ فرهنگ دوزبانه‌ای نشسته بودیم که استاد بهاء‌الدین



■ خرمشاهی، بهاءالدین. (۱۳۹۴). فرهنگ  
- دانشنامه کارا. ۵ ج. تهران: معین. نگاه و  
شباهنگ. پانزده + ۲۸۰۵ ص.  
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۱۶۵-۱۲۲-۲

فصلنامه نقد کتاب

## ادبیات

سال دوم، شماره ۵  
بهار ۱۳۹۵

۴۲

خرمشاهی داشتند تألیف می کردند و با سابقه‌ای که از ایشان در زمینه کتاب مرجع، واژه‌سازی و واژه‌گزینی، زبان و ادبیات داشتیم امیدوار بودیم فرهنگی عرضه کنند که برتر و شایان‌تر از فرهنگ‌های دوزبانه موجود باشد. از دهه هفتاد شمسی شاهد تحولی در فرهنگ‌نگاری کشورمان بوده‌ایم که با تدوین فرهنگ فارسی امروز غلامحسین صدری افشار و همکارانش آغاز شد و با فرهنگ‌های دوزبانه پویای دکتر محمدرضا باطنی، فرهنگ نشر نو از محمدرضا جعفری و در نهایت فرهنگ هزاره زنده‌یاد علی محمد حق‌شناس و همکارانش، اوج گرفت.<sup>۱</sup> فرهنگ دانشنامه کارا طبعاً باید مزایایی بر این سه فرهنگ دوزبانه داشته باشد.

در سال ۱۳۶۴-۱۳۶۳ بدون این که استاد بهاءالدین خرمشاهی را بشناسم، ترجمه درد جلودانگی ایشان را دیدم و با متن اصلی آن مقایسه کردم. با این کار تمرین ترجمه کردم و مطالب بسیاری یاد گرفتم. پس از آن، هر جا اسمی و اثری از ایشان بود کنجکاوانه دنبال می کردم تا کسب معلومات و خوشه‌چینی کنم. ایشان در زمینه کتاب مرجع هم صاحب نظرند و واژه‌ها و اصطلاحات تخصصی فراوانی ساخته و چند واژه‌نامه ویراسته‌اند.

نوشتن نقد درباره فرهنگ دوزبانه‌ای که نگارنده سال‌ها از ره‌گذر آثار و افکار مؤلفش غیباً در محضرشان تلمذ کرده آسان نیست. اولین شائبه‌ای که پیش می‌آید این اتهام است که مبادا در انتقادهایم «نام بزرگان را به نیکویی» نبرده باشم. دومین شائبه حب و بغض است و جانب‌داری یا غرض‌ورزی. سومین شائبه این است که بنا به تعلقات علمی که به فرهنگ‌های پویا هزاره و نشر نو دارم و افتخار شاگردی دکتر باطنی و مرحوم حق‌شناس را داشته‌ام در نقد فرهنگ دانشنامه کارا مزایای آن را نادیده گرفته و معایب آن را بزرگ جلوه داده باشم. امید که خوانندگان محترم با مطالعه نوشته‌ام واقعیت را در مورد انگیزه‌ام از نوشتن نقد این فرهنگ دریابند.

فرهنگ دانشنامه کارا یک فرهنگ دانشنامه‌ای دوزبانه است در پنج جلد. متن اصلی را چهار جلد اول تشکیل می‌دهد. شش پیوست در پایان جلد چهارم آمده. جلد پنجم «تکمله (واژگان تخصصی)» نام دارد که در آن اصطلاحات تخصصی ۶۰ رشته به تفکیک آمده با یک نمایه یا «فهرست درهم‌آرایی الفبایی انگلیسی».

شناخت فرهنگ و کتاب مرجع از نظر جایگاهی که در رده‌شناسی منابع مرجع دارد در بررسی

و نقد آن حائز اهمیت به‌سزایی است. تصمیمات، سیاست‌ها، روش‌ها و خط‌مشی‌ها، شیوه عرضه اطلاعات، روش معادل‌یابی و معادل‌گزینی و... براساس نوع فرهنگ و ماهیت آن انجام می‌گیرد. در این‌جا فرهنگ-دانشنامه کارا را از نظر رده‌شناسی بررسی و نوع آن را مشخص می‌کنم.

دوزبانه؛

یک‌سویه (فقط انگلیسی-فارسی)؛

فرهنگ دانشنامه‌ای (واژگان به‌اضافه اقلام دانشنامه‌ای / دایرةالمعارفی)؛

عمومی، به‌اضافه ۱۶۰ هزار مدخل تخصصی که ادعا شده در بر دارد (جلد پنجم)؛

زبان‌آموز (چرا که مبنایش چند فرهنگ زبان‌آموزان پیش‌رفته است)؛

فشرده به‌لحاظ فرهنگ زبانی (چرا که مبنایش فرهنگ‌های زبان‌آموزان پیش‌رفته است که فرهنگ فشرده به‌شمار می‌روند. البته واژگانی از فرهنگ‌های غیرزبان‌آموز و اطلاعات دانشنامه‌ای به‌جا و بی‌جا حجم آن را زیاد کرده‌است)؛

سازمان آن از واژه به‌سوی معناست (در مقابل فرهنگ طیفی یا گنج‌واژه که سازمان آن از معنا به‌سوی واژه است)؛

یک‌جهته (ویژه فارسی‌زبانانی که به معادل ترجمه‌ای نیاز دارند یا می‌خواهند معنای کلمه یا عبارتی را بدانند، در مقابل فرهنگ‌های دوزبانه فعال‌ساز که به کاربر هم کمک می‌کنند به زبان خارجی بنویسد)؛

برای رمزگشایی زبان (ترجمه و درک مطلب)، درک‌بنیاد برای دریافت زبان، نه تولید آن؛

مخاطب مترجم و زبان‌آموز.

در این نوشته به ایرادهای فرهنگ-دانشنامه کارا پرداخته‌ام به چند علت: یکی از علل تدوین فرهنگ جدید رفع نقایص و کمبودهای فرهنگ‌های پیشین است. فرهنگ-دانشنامه کارا از نظر شمول اقلام دانشنامه‌ای بر فرهنگ‌های دیگر برتری دارد اما معیار نداشتن و نابه‌سامان بودن و پراکنده بودن آن‌ها این مزیت را دچار چالش‌های جدی کرده‌است. شکل ارائه یا عرضه اطلاعات در فرهنگ‌های نشر نو، پویا، هزاره، و حتی آریان‌پور به‌مراتب بهتر و نظام‌مندتر و به‌سامان‌تر از این فرهنگ است. استاد خرمشاهی اثرشان را جدیداً چاپ کرده‌اند و انتظار می‌رود برتر از آثار دیگر باشد که نیست. مزایایی برای پیوست‌ها و تکمله ۱۱۸ صفحه‌ای برشمرده‌اند که چنین نیست. بر معیارها و اصولی در مقدمه تأکید شده که با یکدستی و انسجام از آن پیروی نشده و مهم‌تر این که بسیاری هستند که فقط به مزایای این فرهنگ اشاره کرده و می‌کنند و کم هستند آن‌هایی که بی‌غرضانه به نقد بنشینند.

متأسفانه امروز عمده‌تاً مسئله فقط این نیست که فرهنگ دوزبانه بهتر است تک‌جلدی باشد (که کاربردی‌تر است) و مسئله فقط این نیست که انباشتن اطلاعات پراکنده در فرهنگ چه‌قدر مفید یا زاید است و مسئله فقط این نیست که این اطلاعات چه‌قدر درست و متین است؛ مسئله این است: کتابی که من می‌نویسم باید قطورتر از کتاب‌های دیگر باشد. این امر به‌ویژه در تدوین دانشنامه‌ها صادق است. از ایجاز که یکی از ویژگی‌های بارز کتاب مرجع به‌شمار می‌رود سخنی

در کار نیست. مرحوم محمد طباطبایی، فرهنگ‌نویس فرهنگ‌شناس، ۴۶ سال پیش، بله ۴۶ سال پیش، از خطر «نهیض قطورنویسی» سخن می‌گوید و امروز پس از گذشت حدود نیم قرن از این هشدار، قطورنویسی در تمام ابعاد فرهنگی ریشه دوانده‌است.

چندگاهی است که در این آب و خاک نهیض قطورنویسی پا به عرصه وجود گذاشته و برای خویش مقام و اهمیت خاصی کسب نموده‌است. جالب این‌که این نهیض در تمام زمینه‌ها و رشته‌های علمی و ادبی و هنری ریشه دوانیده و به‌صورت یک غده سرطانی یا بیماری واگیر درآمده‌است. سعی بیش‌تر نویسندگان، شاعران و مؤلفان بر این‌است که هرچه بیش‌تر بر حجم و قطر اثرشان بیفزایند. ای کاش ذره‌ای از این سعی و کوشش مصروف تازگی و صحت مطالب می‌شد.

نمونه‌ای از این کتب، فرهنگ آریانپور است که در پنج جلد قطور و حجیم منتشر و با بهای چنان گزافی عرضه شده‌است که کم‌تر اهل مطالعه‌ای قدرت خرید آن را دارد... فرهنگ آریانپور شاید می‌توانست یک فرهنگ انگلیسی-فارسی ایده‌آل در زبان فارسی بشود، اگر مؤلف محترم با کمی ایمان و احساس مسئولیت و بالأخره مطالعه کافی به این کار مهم دست می‌زد. (طباطبایی، ۱۳۴۸: ۳۵۳)

در فرهنگ‌دانشنامه کارا از صفحه ۲۶۶۳ تا ۲۸۰۵ جلد چهارم (۱۴۲ صفحه) و همه جلد پنجم (سی و هشت + ۸۳۸ ص) یعنی مجموعاً ۱۱۱۸ صفحه را پیوست‌ها و مطالب «تکمیلی» تشکیل می‌دهد. با توجه به مطالبی که در این نوشته می‌آید درمی‌یابید که دست کم ۱۰۰۰ صفحه از این اثر حجیم، اضافی و حشو و نالازم است. هزار صفحه خودش کتاب حجیمی است و این مقدار مطلب زائد در این وانفسای تورم و کساد بازار نشر چه تفاوتی در قیمت کتاب مخصوصاً برای دانش‌جویان که ایجاد نمی‌کند.

به‌خاطر اهمیت حجم فرهنگ‌دانشنامه کارا و به راه اطناب رفتن استاد خرمشاهی با وجود تأکید مکررشان بر ایجاز، نقد را با پیوست‌های جلد چهارم و جلد پنجم (تکمله، واژگان تخصصی) شروع می‌کنیم.

«یکی از نشانه‌های تصور گنگ فرهنگ‌نویسان و ناشران از کاربر و نیازهایش این‌است که برخی از آن‌ها بخش اصلی الفبایی را به‌زعم خود با پیوست‌هایی تکمیل می‌کنند شامل فهرست اسامی، فهرست اختصارات، تکه‌پاره‌هایی از اطلاعات متفرقه» «هانس پدِر و همکاران، ۱۹۹۱: ۲۷۱۳» و هرچیزی که دم‌دستشان می‌رسد. این انباشتن پیوست‌ها با مطالبی از هر دست به این معنی است که فرهنگ‌نگار «تصور روشنی از مخاطبانش ندارد» (همان). قدر مسلم این‌که پیوست‌های جلد چهارم بالأخره مفیدند اما با معماری و طراحی درست فرهنگ می‌شد برخی از آن‌ها را در داخل متن اصلی آورد و از پراکندگی اطلاعات، مثلاً در مورد اعلامی که هم در متن آمده‌اند و هم در پیوست‌ها، جلوگیری کرد و هم فرهنگ را بی‌دلیل چاق نکرد.

«کلمات و تعبیرات خارجی رایج در زبان انگلیسی» (۶ صفحه) از روی یک فرهنگ آمریکایی عیناً کپی شده و تلفظ آن‌ها با الفبای فونتیک آمریکایی است، درحالی‌که تلفظ کل فرهنگ دانشنامه کارا با الفبای فونتیک انگلیسی بریتانیایی است. این بخش فاقد معادل فارسی است. عباراتی (از جمله par avion و post hoc از کلمات حرف P) در متن هم آمده. این بخش را با عینک مطالعه و ذره‌بین مطالعه کردم.

در پایان جلد چهارم، ۱۱۸ صفحه به فرهنگ‌واره (۱) اسلام‌شناسان و ایران‌شناسان، (۲) برندگان جایزه نوبل و (۳) کشورهای جهان اختصاص یافته که بسیاری از مدخل‌های آن‌ها در متن اصلی هم آمده، البته با تفاوت‌هایی در اطلاعات. خواننده باید به دو یا چند جا مراجعه کند تا اطلاعاتش تکمیل شود. از سوی دیگر، اگر مدخلی در متن آمده چه لزومی دارد دوباره در پیوست بیاید و برعکس.

«فرهنگ‌واره اسلام‌شناسان و ایران‌شناسان» (از صفحه ۲۶۸۷ تا ۲۷۱۸) چه قدر برای مخاطبان اصلی این کتاب لازم است؟ چرا نامی از خاورشناسان در عنوان برده نشده است؟ فرانتس روزنتال، فردریش اوگوست روزن، اتوره روسی، ژان ژاک روسو، فردریش روکرت، یان ریپکا و کارل ادوارد زاخاؤو همگی طبق صفحه ۲۷۱۲ (جلد ۴، پیوست) «خاورشناس» هم بوده‌اند. جلد پنجم ۳۸ صفحه مقدمه و واحدهای پیشین فرهنگ به اضافه ۶۷۹ صفحه واژگان تخصصی دارد و نیز ۱۴۲ صفحه نمایه اصطلاحات تخصصی.

در جلد پنجم حدود ۶۰ نفر با شصت و سه سلیقه «تکلمه (واژگان تخصصی)» را فراهم آورده‌اند و استاد خرمشاهی یا همکارانشان ظاهراً دستی به ترکیب این بخش نزده‌اند تا واژگان تکراری را بپالایند و مثلاً «قوش: falcon» را از فهرست اصطلاحات و «فرهنگ و معارف اسلامی» حذف کنند و مثلاً تشریح / آناتومی را در بخش پزشکی ادغام کنند و مثلاً یک فهرست الفبایی مطلق از بخش ورزش ترتیب دهند و مثلاً حجم اطلاعات رشته‌ها را متناسب با اهمیت و گستردگی شان متوازن سازند.

«فرهنگ‌واره زندگی‌نامه علمی دانشوران» که آقای خرمشاهی از آن با صفت «کوتاه» یاد کرده‌اند (چهارده، ج ۵) فهرستی است از «واژه‌نگار» انی که در جلد پنجم با مؤلف همکاری کرده‌اند و ۲۱ صفحه از فرهنگ دانشنامه کارا را به خود اختصاص داده‌است. سراغ افراد برجسته این «فرهنگ‌واره» می‌رویم. زندگی‌نامه استاد نصرالله پورجوادی که علاوه بر فعالیت‌های پژوهشی اصیل‌شان، با راه‌اندازی مرکز نشر دانشگاهی حق بزرگی به گردن علم و چاپ و نشر این مرز و بوم دارند حدود نیم صفحه است. پیروز سیار و کامران فانی بیش از نیم صفحه. هیچ ایرادی هم بر این متصور نیست. اما آیا مهندس سید مصطفی هاشمی طباطبائی، کاپیتان شاهرخ خدایاری، سرهنگ مسعود اسفندیاری، دکتر جبارعلی ذاکری، دکتر مهرداد قیومی و دکتر محسن اسعید محبی از نظر اطلاعات دانشنامه‌نگاری ارزشی برابر یا بیش‌تر از نصرالله پورجوادی، کامران فانی و پیروز سیار دارند؟ آیا اطلاعات مربوط به انیشتین، ویکتور هوگو، هیتلر، استالین، جرج واشینگتن، شکسپیر و امثالهم باید کم‌تر از اطلاعات داده‌شده در مورد ایرانیانی باشد که در این‌جا از ایشان نام بردیم؟

در اعتبار و ارزش کار این ایرانیان تردیدی نیست (از نصرالله پورجوادی سخن رفت، کامران فانی تحولی در دانشنامه‌نویسی ایجاد کرده، پیروز سیار در ترجمه متون کتاب مقدس شاهکار کرده، مهندس عباس جعفری منشأ خدمات شایانی در واژه‌نگاری جغرافی بوده و...) ولی این بزرگواران نقشی بسیار کوچک‌تر از نیوتن و جیمز جویس و چارلی چاپلین و امثالهم داشته‌اند. نیم صفحه توضیح درباره افراد نه‌چندان نامدار در عرصه دانش را مقایسه کنید با موارد زیر:

Mosaddeq, Muhammad

مصدق، محمد (۱۲۶۱-۱۳۴۵ ش)

سیاست‌مدار و دولت‌مرد ایرانی که در سال‌های ۱۳۳۰ تا ۳۲، نخست‌وزیر ایران بود و نفت را ملی کرد.

افلاطون (۴۲۷/۴۲۸-۳۴۷/۳۴۸ ق م)، فیلسوف یونانی، شاگرد سقراط و استاد ارسطو و از بنیان‌گذاران فلسفه و فرهنگ غرب.

نیوتن، آیزاک (۱۶۴۲-۱۷۲۷ م)، فیزیکدان، ریاضیدان و فیلسوف انگلیسی، واضع حسابان، نظریه گرانش، قانون حرکت و کاشف ماهیت نور سفید.

هیتلر، آدولف (۱۸۸۹-۱۹۴۵ م)، دیکتاتور آلمانی.

واشینگتن، جورج (۱۷۳۲-۱۷۹۹)، اولین رئیس‌جمهور آمریکا (۱۷۸۹-۱۷۹۷) و از رهبران انقلاب و استقلال آمریکا.

«بدیهی است که معرفی همکاران این فرهنگ، هم ضرورت علمی دارد، هم فریضه اخلاقی و به قصد سپاسگزاری از هم‌کوشی این بزرگان است که صمیمانه و کریمانه، بی‌مزد و منت، یاری فرمودند.» (چهارده: ۵) آیا غرض از این همه طول و تفصیل در زندگی‌نامه علمی این دانشوران «به مدلول شعر حافظ: «نگاه دار سر رشته تا نگه دارد» (ده: ۵) بوده یا صرفاً «ضرورت علمی» و «فریضه اخلاقی»؟

جلد پنجم فهرست رشته‌ها دارد و شماره صفحه ندارد؛ یعنی باید بارها کتاب را ورق بزنی تا به رشته مورد نظر برسی.

واژه‌نامه خاص ادبیات در جلد پنجم در کار نیست اما ۸ صفحه به «نظریه و نقد ادبی» اختصاص یافته‌است. واژه‌نامه پزشکی داریم (۴۲۱ تا ۴۷۵: ۵) و نیز واژه‌نامه «تشریح/آناتومی» (۲۴ تا ۳۰: ۵). بخش «الهیات مسیحی» (۱۲۶ تا ۱۳۰) داریم و بخش «کتاب مقدس» (۱۰۳ تا ۱۰۸)، آموزش و پرورش ۶۲ مدخل دارد (DNA هم جزء اصطلاحات این رشته است) و گردشگری/جهانگردی ۵۱ مدخل.

«آرایش و زیبایی» که الحق و الانصاف امروزه از اوجب واجبات است ۲۴ صفحه است؛ یعنی ۸ برابر آموزش و پرورش.

برای نمونه فقط یک صفحه (۲۴۹: ۵) از بخش «فرهنگ و معارف اسلامی» را که کار خود استاد خرمشاهی است بررسی می‌کنیم تا به ارتباطش با متن اصلی و نیز تفاوت‌ها و نایکدستی‌ها و تکرارهایش پی ببریم.

Alids, the Alawites (هر دو در یک ستون به فاصله ۱۴ سطر) یک ماهیت‌اند که بدون

فصلنامه نقد کتاب

ادبیات

سال دوم، شماره ۵  
بهار ۱۳۹۵

۴۶

این که مدخل اصلی و فرعی آن‌ها مشخص شده باشد، به دو صورت «علویته، علوتون» و «علویان» ضبط شده‌اند.

عقیق و انبیق (Alembic, agate) واژه انحصاری فرهنگ و تمدن اسلامی نیستند و انبیق از یونانی گرفته شده است.

اثير (aether) انحصار به فرهنگ و تمدن اسلامی ندارد و در متن که باید درج می شده نیامده. سُها (Alcor) و رأس الغول (Algol) در بخش اخترشناسی و نجوم (۵: ۹۰) هم آمده.

هاجر (Agar) فقط مربوط به فرهنگ اسلامی نیست.

دَبَران (oldebaran) در این صفحه برچسب حوزه کاربرد (نجوم)، که در دو مدخل بالایی اش آمده) ندارد و در متن برچسب «اخترشناسی» گرفته.

aesthetics املای بریتانیایی است، املای آمریکایی آن (esthetics) نیامده ولی املای آمریکایی etiology به فاصله یک ستون آمده.

به تفاوت واژه‌های زیر در متن و تکمله فرهنگ دانشنامه کرا دقت کنید:

## جلد اول

۱. لادری، اهل توقف، اهل تعطیل، بی طرف درباره وجود خدا، ندانم گوی agnostic...n

۲. لادریانه، لادریگرانه، ندانم گویانه

و سه سطر پایین تر:

لادری، اهل تعطیل، اهل توقف، ندانم گوی agnostic

## جلد پنجم

لادری، متوقف، معطل (فلسفه/ کلام) (ص ۲۴۹)

لادریون / agnostic (ص ۱۲۷: ج ۵) در بخش فلسفه اسلامی، و نیز عرفان نیامده. در بخش فلسفه غرب فقط agnosticism آمده.

واژه‌های زیر هم در جلد اول آمده‌اند و هم در تکمله (جلد پنجم):

Adoration/ prayer, adult, adulterate, adulterer, adultress, adultrine, adultery, aesthetics, affectionate, affirmative, affront, agent, album, alehemy, alcohol, aldebaran, alembic, (در متن با حرف کوچک آغاز شده) Algol leppo, Algebra, (با ضبط و توضیح متفاوت، در متن Algeiras (Algeiras)

معادل‌های زیر اضافه بر متن‌اند؛ یعنی فقط در تکمله آمده‌اند:

|             |                      |
|-------------|----------------------|
| adoption    | تَبَتّی [پسرخواندگی] |
| adversity   | ضراء                 |
| affirmation | ایجاب                |
| affliction  | عذاب                 |

|                                                                      |                          |
|----------------------------------------------------------------------|--------------------------|
| affluent                                                             | مُترَف                   |
| afterlife                                                            | عُقَبی                   |
| واژگان زیر از مدخل‌هایی است که متعلق به «فرهنگ و معارف اسلامی» نیست: |                          |
| that is to say                                                       | یعنی                     |
| trachoma                                                             | تراخم                    |
| verdict                                                              | رأی قاضی                 |
| washerman                                                            | گازر                     |
| winter camp                                                          | قشلاق                    |
| wit                                                                  | بذله، لطیفه              |
| witticism                                                            | بذله، لطیفه، نادره، نکته |
| year, dry                                                            | خشکسال                   |

فصلنامه نقد کتاب

## ادبیات

سال دوم، شماره ۵  
بهار ۱۳۹۵

۴۸

در این بخش هم از ترتیب مطلق الفبایی ترکیبات استفاده شده (قشلاق winter camp) و هم از ترتیب معکوس ترکیبات (شاهد سمعی: witness, ears؛ شاهد عینی: witness, eye؛ کبیسه، سال کبیسه: year, leap).

در این نوشته تأکید بر ایرادهای روش شناختی وارد بر فرهنگ‌دانشنامه کار است. جافتادن تعدادی واژه یا اسم خاص در اغلب آثار مرجع پیش می‌آید و هر فرهنگ‌نویس توانایی هم چه بسا معادل‌ها و تعریف‌های غلطی به‌دست داده‌باشد چرا که انسان محل سهو و نسیان است. شایان ذکر است که اگر تعداد افتادگی‌ها و نادرستی‌ها بیش از حد باشد، دیگر نمی‌توان آن‌ها را اتفاقی دانست.

هیچ فرهنگی از هیچ جنبه‌ای نمی‌شود کامل باشد چرا که واقعیاتی که در کار فرهنگ‌نگاری بازتاب می‌یابد همواره در تغییر و تحول است و نمی‌توان همه آن‌ها را در بار اول فرا چنگ آورد. جای شگفتی ندارد که منتقدی بتواند واژه و عبارت و اصطلاحی را که از فرهنگی فوت شده متذکر شود، واژه‌ها و معادل‌هایی را پیشنهاد دهد که بهتر از انتخاب‌های فرهنگ‌نگار باشد، غلط‌های چاپی‌ای را بیابد که از نگاه دقیق ویراستار و نمونه‌خوان پنهان مانده‌باشد و لغزش‌ها و سهو القلم‌های خود فرهنگ‌نگار را شکار کند. خوانندگان نقد می‌خواهند بدانند که آیا این لغزش‌ها و افتادگی‌ها الگویی را تشکیل می‌دهند که استفاده از فرهنگ را دشوار سازد و به علت نواقص و نقایص و بی‌اعتمادی‌ای که از این ره‌گذر پدید می‌آید کارآیی فرهنگ را محدود می‌کند یا نه. خواننده می‌خواهد بداند که آیا این فرهنگ، مزیتی دارد که در هیچ جای دیگری نتوان پیدایش کرد یا نه. (راجر جی. استاینر، ۱۹۸۴: ۱۷۹-۱۷۸).

استاد خرمشاهی واژه‌نامه‌هایی را ویراسته‌اند و در ویراستاری صاحب‌نظرند. نگارنده اگر نگارشش اندک حسنی داشته‌باشد از استاد خرمشاهی و بزرگانی چون ایشان آموخته‌است. در مواردی متن ویرایش نشده و این از استاد بعید است.

racism

نژادپرستی...

نظریه‌ای است که میان نژاد و پدیده‌های غیرزیست‌شناسی مانند دین، آداب، زبان و... رابطه ایجاد کرده و برخی از نژادها را برتر از دیگر نژادهای بشر می‌شمارد. «رابطه ایجاد کرده» در این جا یعنی چه؟ «رابطه ایجاد می‌کند و ... می‌شمارد» رابطه زمانی درستی دارد.

Jackson

... ژنرال متحد و هم‌پیمان در جنگ داخلی آمریکا  
جکسون فرمانده ارتش جنوب آمریکا بود.

yearling

حیوان یک‌ساله، اسب یک‌ساله، کره اسب، حیوان جوان  
«جوان» در این جا ظاهراً در برابر young آمده. حیوان یک‌ساله در فرهنگ ما «جوان» به حساب نمی‌آید.

اتاق استراحت [ویژهٔ معلمان/ دانش‌آموزان در یک مدرسه/ دانشکده] common-room  
a و an در انگلیسی بر اسم جنس هم دلالت می‌کنند. در این بافت منظور از a school یا a college همهٔ مدرسه‌ها و دانشکده‌ها هستند، نه یک مدرسه و دانشکده. «یک» در این موارد گرفته‌برداری نحوی از انگلیسی است.

Sabratha

صبراته، شهر قدیمی در شمال غربی لیبی که قرن ۴ پیش از میلاد توسط کارتاژی‌ها تأسیس شده‌بود.

شهر «تأسیس» نمی‌شود. گذشته از این، زمان فعل باید گذشته ساده باشد، چون این شهر هم‌اکنون هم هست. اگر این شهر اکنون وجود نداشت، «تأسیس شده‌بود» فعل درستی می‌بود.

Saarland

... یکی از شانزده ایالت آلمان در جنوب غربی آلمان قرار دارد  
آلمان دوبار در یک جمله کوتاه تکرار شده. حرف ربط «که» از جمله ساقط شده یا یک کاما باید بعد از آلمان اول بیاید.

Jacobite Church

یعاقبه، یعقوبیه، پیروان کلیسای مسیحی سوریه و عراق و هند. یعقوب برادر یا مؤسس آن در قرن ششم میلادی بود.

مسیحی به همراه کلیسا حشو است. یعقوب برادر یا مؤسس «آن» بود؟

Shakespeare

... از جمله آثار او اتللو، تاجر ونیزی، ... که اغلب و بیش از این‌ها هم به فارسی ترجمه شده‌است.  
«بیش از این‌ها» هم به فارسی ترجمه شده، یعنی چه؟

-y... (also -ie)

نشان علاقه

-y و -ie پسوند تحبیب‌اند که بیش‌تر به اسم کامل یا کوتاه‌شدهٔ آن اضافه می‌شود.

Yellow Emperor

امپراتور زرد، ... طبق افسانه‌ها در سال ۲۷۰۴ پیش از میلاد به دنیا آمد و در سال ۲۶۹۷ (ق. م)

امپراتور شد.

استفاده از صورت کامل و کوتاه با هم: «ق» کوتاه‌شده قبل است که ابتدا «پیش» آمده.

Young Thomas

یانگ تامس

تامس نام کوچک است و یانگ نام خانوادگی

Wundt, Wilhelm

... پزشک... آلمانی که به‌عنوان یکی از پایه‌گذاران علم روان‌شناسی تجربی شناخته می‌شود

«به‌عنوان» زائد است. چون این مفهوم در خود فعل «شناخته‌شدن» مندرج است. استفاده

از «به‌عنوان» با فعل‌هایی مانند شناخته‌شدن و به‌شمار رفتن گرت‌برداری نحوی است از حرف اضافه as انگلیسی.

۱. روی... ۲. ورقه آهن موجدار که در آفریقا به‌عنوان سقف استفاده می‌شود. zinc

ورقه آهن موجدار در جاهای دیگری از جهان از جمله ایران به‌جای سقف استفاده نمی‌شود؟

... بخش [که با اطرافش تفاوت دارد] zone

«که با اطرافش تفاوت دارد» یعنی چه؟

saddle stitch یک نوع صحافی ساده

«یک نوع صحافی ساده» چه اطلاعی به کاربر فرهنگ می‌دهد که بتواند از آن استفاده کند.

jet lag کوفتگی راه/سفر، خستگی و ماندگی [ناشی از سفر]

کلمه jet نشان می‌دهد که این کوفتگی ناشی از سفر هوایی است.

peer review نقد و بررسی اثری علمی توسط متخصصان همان حوزه

peer reviewed [مربوط به] نقد و بررسی اثری علمی توسط متخصصان همان حوزه

مطالب بالا تعریف این دو اصطلاح‌اند، نه معادل آن‌ها. «داوری» اصطلاحی جافتاده در صنعت نشر و مجلات علمی و فنی است.

julep عرق [نوعی مشروب الکلی که از ویسکی، شکر، نعناع و یخ درست می‌شود]

اگر مشروبی ویسکی است، پس عرق نیست.

Zéroual, Liamine زروئال، لیامین، چهارمین رئیس‌جمهور الجزایر

این اسم خاص هیچ شباهتی به اسامی عربی ندارد. الیمین زروال در متون غربی به این شکل منعکس شده و وظیفه فرهنگ‌نگار ایرانی و عربی این است که صورت عربی آن را ضبط و ثبت کند. ازجمله نخستین درس‌های مرجع‌نگاری و ویرایش و تألیف و ترجمه یک‌دستی وانسجام است، اما فرهنگ - دانشنامه کار از این نظر ضعف دارد.

gab - ذیل

the gift of the gab خوش سر و زبانی، زبان‌بازی، بلبل‌زبانی، چرب‌زبانی (گاه توهین‌آمیز)

gift - ذیل

بلبل‌زبانی، چرب‌زبانی، خوش سر و زبانی، زبان‌بازی (معمولاً توهین‌آمیز)

گاه و معمولاً خیلی با هم تفاوت دارند.

فصلنامه نقد کتاب

ادبیات

سال دوم، شماره ۵  
بهار ۱۳۹۵

۵۰

- ذیل  
gain ظاهر مقبول یافتن، اعتبار [ظاهری] یافتن  
gain credence  
- ذیل  
Credence Lend credence to sth/ gain credence  
باور کردنی ساختن، قابل قبول گرداندن، پذیرفتنی ساختن  
lend Lend support, weight, credence, etc. to sth  
- ذیل  
تقویت کردن، پشتیبانی کردن، حمایت کردن، تأیید کردن  
blow  
- ذیل  
blow the gaff بندرا (به) آب دادن [= رازی را برملا کردن] (عامیانه)  
gaff  
- ذیل  
درز دادن، لودادن، بند را آب دادن، دهن لقی کردن (عامیانه)  
Nothing ventured, nothing gained  
gain  
- ذیل  
سود بردن بدون خطر کردن میسر نیست، بازرگانی به بددلی نتوان کرد.  
venture  
- ذیل  
نابرده رنج گنج میسر نمی شود، هر که از خطر بگریزد خطیر نشود.  
curate a curate's egg  
- ذیل  
عزیزی بی جهت (غالباً توهین آمیز)، خوب اما پردردسر  
egg  
- ذیل  
نیمکش وسط، آمیزه‌ای از خوب و بد (معمولاً بیان منفی)  
Don Juan  
- ۱. دون ژوان... ۲. دون خوان، قهرمان افسانه‌ای بسیاری از آثار ادبی اروپایی که ظاهراً مبتنی بر وقایع زندگی دون خوان تنوریو است.  
Juan, Don  
خوان/ ژوان، دون، شخصیتی افسانه‌ای که محتملاً مأخوذ از ادبیات اسپانیایی است. وی عاشق پیشه‌ای کام‌جو و بوالهوس و سنگدل است. عاقبت کار او چنین می‌شود که مجسمه‌ای سنگی خود را به هیئت میهمان دون ژوان درمی‌آورد و او را به جهنم می‌فرستد. یکی از اپراهای موتسارت برگرفته از این قصه است.  
«بلهوس» از ترکیب پیشوند فارسی بُل - و «هوس» ساخته شده، نه عنصر عربی که به صورت بوالهوس نوشته شود.  
Julian جولیان... امپرتور (کذا) روم...  
Julian Calendar ... گاهشماری جولینی  
Julius Caesar ژول / جولیس سزار  
Justin (Martyr) ژوستین شهید...  
Justinian I ژوستینیان اول

بالآخره ما نفهمیدیم J را در این اسامی لاتین ج بخوانیم یا ژ؟

تئودور هرتسل ذیل Zionism و هرتسل ذیل Hertzl آمده است. ذیل Zionism بانی نهضت صهیونیسم است و ذیل Hertzl فقط روزنامه‌نگار اتریشی-مجارستانی.

Jalal ad-Din ar-Rumi

جلال‌الدین رومی

(۶۰۴-۶۷۲ م/ق/۱۲۰۷-۱۲۷۳ م)، معروف به مولانا، شاعر، حکیم و عارف بزرگ ایرانی که همه آثارش به زبان فارسی است.

Rumi, Jalāl ad-Dīn

رومی، جلال‌الدین رومی/مولانا/مولوی

(۶۰۴-۶۷۲ ق)، یکی از بزرگترین شاعران و عارفان ایرانی متولد بلخ، و ساکن و متوفای قونیه که مزارش همانجاست. از آثار او مثنوی معنوی، دیوان شمس، و فیه‌مافیه است.

در حرف‌نگاری اعلام ایرانی و اسلامی گاهی حرف‌نگاری، دقیق است و مثلاً ā، a و س از ص متمایز شده (Saddām Ḥussein) و گاهی حرف‌نگاری کلی است (Jamal ad-Din al-afghani). نمونه بارزش مدخل‌های مربوط به مولوی است که در مورد دوم فتحه و آ از هم متمایز شده، حرف «ی» در «دین» با آ نشان داده شده و «ی» رومی تنها با i.

این اصطلاحات تخصصی لاتین علی‌الظاهر باید در جلد پنجم، بخش فلسفه، می‌آمد اما در قسمت اصلی فرهنگ آمده‌است:

causa causan

علت‌العلل (لاتین)

causa formalis

علت‌صوری (لاتین)

causa intentionalis

علت‌غائی (لاتین)

causa materialis

علت‌مادی (لاتین)

causa operativa

علت‌فاعلی (لاتین)

causa phenomenon

علت‌پدیده‌ها

causa sine qua non

علت لازم، شرط لازم، مالابدتمنه، ناگزیران (لاتین)

در ستون روبه‌روی همین اصطلاحات لاتین، شکل انگلیسی برخی از آن‌ها آمده بدون این که ربطشان با هم مشخص شود، از جمله:

formal Cause

علت‌صوری (فلسفه)

material cause

علت‌مادی

formal Cause ذیل formal Cause هم تکرار شده. اما material cause ذیل material نیامده‌است.

این دو در جلد پنجم در بخش فلسفه غرب هم تکرار شده‌اند.

برچسب «لاتین» باید جلوی عبارت بیگانه بیاید، نه جلوی معادل فارسی. این عبارات چون لاتین هستند باید با حروف ایتالیک نوشته می‌شدند.

وقتی کلمه‌ای اخص (زیرمرتبه) در فرهنگ ثبت می‌شود، طبعاً باید انتظار داشت کلمه اعم هم آمده‌باشد ولی گاهی چنین نیست. Zanzibar (زنگبار) آمده‌است ولی اسم متناظر آن «تانگانیکا» (غلط املایی به‌صورت تانگانیا) نیامده. فقط دریاچه‌اش آمده. زبان محاوره چینی و رود Xiang

فصلنامه نقد کتاب

ادبیات

سال دوم، شماره ۵  
بهار ۱۳۹۵

۵۲

آمده که هر دو در استان هونان Hunan هستند اما خود Hunan نیامده. شهر شینینگ / Xining آمده ولی اسم استانش چینگ‌های (Quinghai) نیامده. Zapopan (سایوپان، شهری در شمال مرکزی ایالت خالیسکو در غرب مرکزی مکزیک) هست اما Jalisco نیامده (دانشنامهٔ فشردهٔ بریتانیا و دانشنامهٔ ویکی‌پیدیا تلفظ آن را هالیسکو ثبت کرده‌اند).

«وظیفهٔ فرهنگ دوزبانه این نیست که اصطلاحات تخصصی (مثلاً اصطلاحات پزشکی مانند haemologia و haematuria) را تعریف کند و شرح دهد.» (ویم هونسار، ۲۰۰۳: ۳۲۶) حسین سامعی در مقدمهٔ فرهنگ هزاره (۱۳۸۱: ۲۹-۲۸) این موضوع را به روشنی مطرح ساخته:

کار اصلی فرهنگ‌نویس دوزبانه برابر هم نهادن واحدهای واژگانی دو زبان، با شروع از زبان مبدأ و جستجوی معادل‌ها در زبان مقصد است. از این جهت، وظیفهٔ فرهنگ‌نویس تعریف، توصیف یا، به اصطلاح، «معنی کردن» سرمدخل‌ها نیست. چنین کاری در حد فرهنگ یک‌زبانه است که می‌کوشد «معنی» واحدهای زبانی را برای مراجعه‌کنندگان به فرهنگ «توضیح دهد»؛ حال آنکه فرهنگ‌نویس دوزبانه فرض می‌کند مراجعه‌کنندگان به فرهنگ واحدهای واژگانی یکی از دو زبان مبدأ یا مقصد را کمابیش می‌شناسند و بی‌نیاز از «تعریف» آن‌ها هستند و تنها می‌خواهند ببینند واژه‌های آشنای آن‌ها در زبان دیگر چه معادل یا معادل‌هایی دارند. حال اگر مراجعه‌کننده به چنین فرهنگی معنای هیچ‌یک از واژه‌های دو طرف این معادله (یعنی نه زبان مبدأ و نه زبان مقصد) را نداند، برای فهم معنای دست‌کم یکی از آن‌ها به ناچار باید به فرهنگ یک‌زبانه مراجعه کند.

سامعی progesterone را مثال می‌زند که در یک فرهنگ دوزبانه «توضیحات بسیار پیچیده، فنی و نسبتاً مبهم» در مقابل این سرمدخل آمده و استدلال می‌کند که در زبان پزشکی فارسی، صورت فرانسهٔ این کلمه، یعنی پروژسترون، کاملاً شناخته‌شده و در حقیقت معادل فارسی کلمهٔ انگلیسی است، چنان‌که در فرهنگ پویا و فرهنگ نشر نو آمده. او اضافه می‌کند: «هرچند که دو فرهنگ اخیر، با توجه به آن‌که ممکن است گروهی از مراجعه‌کنندگان معنای پروژسترون را ندانند و آن را در فرهنگ‌های یک‌زبانهٔ موجود فارسی هم پیدا نکنند، عبارتی کوتاه و روشن در حاشیه و در کنار آن -و نه به جای آن- آورده‌اند. (همان: ۲۹) در فرهنگ دانشنامهٔ کرا سرکه و باغ‌وحش تعریف شده‌اند. (استاد خرمشاهی این بخش از فرهنگ هزاره را «توضیح‌واضحات و تکرار مکررات» دانسته‌اند.) (شش: ج ۱)

Vinegar

سرکه، مایع ترشی که از اکسیدشدن اتانول موجود در آب سیب، آلبو و موادی از این قبیل به‌دست می‌آید

ZOO

باغ‌وحش، محلی برای نگهداری حیوانات اهلی و وحشی در قفس‌هایی معمولاً به همراه جفت‌شان

در زیستگاه‌های مصنوعی

تعریف «نژاد: race» آمده، ولی تعریف «قومیت: ethnicity» نیامده. paradox تعریف بسیار مفصلی دارد (ص ۱۸۴۲) و «چتر نجات: parachute» در همان صفحه تعریف شده‌است اما موارد زیر در همان صفحه تعریف ندارد:

parabola

سهمی، شلجمی (هندسه)

parable

تمثیل

این تمثیل چه فرقی با تمثیل‌های دیگر دارد؟

paradete

فاراقلیط [در بعضی زمینه‌ها برابر با روح‌القدس]

اگر تصور شود خواننده‌ای نیازمند دانستن تعریف باغ‌وحش و سرکه است، پس در این جا هم باید بداند فاراقلیط دقیقاً چیست و روح‌القدس چیست. چنین خواننده‌ای به تعریف موارد زیر هم نیاز دارد:

paradental

دندان-کنار

paradigm

مَثَل‌اعلی

paradise

بهشت عدن

اگر قرار باشد برای «تبر: tiger» تعریف بیاوریم، پس باید برای «گیس و گیس‌کشی: tiff»، کمی بالاتر از آن، هم تعریف بیاوریم.

مخاطب فرهنگ-دانشنامه کارا ایرانی است و بنابراین به تعریف برای کعبه و جهاد نیازی ندارد و اصلاً این مدخل‌ها نباید در چنین فرهنگی بیاید. این اطلاعات برای غریبان لازم است، نه برای ما. از آن جا که اطلاعات دانشنامه‌ای اساساً وابسته به فرهنگ (culture) هستند و هر اثر مرجعی برای برآوردن نیازهای مخاطبان جامعه‌ای خاص نوشته می‌شود، در زبان مقصد باید بررسی دقیقی انجام داد تا بدانیم مخاطب ما به چه چیزهایی احتیاج دارد. بنابراین ترجمه صرف اطلاعات دانشنامه‌ای یک اثر خارجی کافی و درست نیست.

kabah

کعبه، مقدس‌ترین زیارتگاه مسلمانان در مرکز مسجدالحرام، در مکه. همه مسلمانان هنگام برگزاری نماز، یا اعمال عبادی دیگر نظیر قربانی، رو به جهت آن می‌آورند که به آن «استقبال قبله» گفته می‌شود.

Jum`ah

جمعه، نام روز هفتم از ایام هفته در تقویم مسلمانان، در قرآن سوره‌ای به این نام هست و در فضیلت و اهمیت جمعه احادیث و اخبار بسیار موجود است.

jihad

جهاد [جنگ و مبارزه دینی-مذهبی با دشمنان و معاندان اسلام]

«دینی-مذهبی» یعنی چه؟ یکی از این‌ها کافی است.

zuhd

زهد، ریاضت، در فرهنگ اسلامی، به‌ویژه در تصوف، به معنای بی‌اعتنایی به دنیاست. یعنی روی گردانی از رفاه و پرداختن افراطی به عبادت و گاه به ریاضت (اصل عربی)

فصلنامه نقد کتاب

ادبیات

سال دوم، شماره ۵  
بهار ۱۳۹۵

۵۴

نیز ← تعریف‌هایی که برای جهنم (Jahannam) و [عصر] جاهلیت (jahiliya) داده شده.

Aristotle

توضیح مفصلی برای شهر Zacatecas در مکزیک آمده‌است. اما Zegreb توضیح کوتاهی دارد. توضیحات مفصلی برای XYZ affair (۱۴ سطر) و zodiac داده شده اما همین مقدار کوتاه - که برای چنین فرهنگی درست هم هست - برای ارسطو آمده:

ارسطو (۳۸۴-۳۲۲ ق.م) فیلسوف یونانی، شاگرد افلاطون و معلم اسکندر مقدونی، ملقب به معلم اول

XYZ affair (حادثهٔ دیپلماتیک بین آمریکا و فرانسه) مهم‌تر از نظریهٔ نسبیت انیشتین نیست که تنها ۴ سطر به آن اختصاص یافته.

یکی از وظایف خطیر فرهنگ‌نگار تفکیک و دسته‌بندی معانی مختلف واژه‌هاست که کار را برای کاربر آسان می‌سازد. کاربر تصمیماتش را غالباً براساس نظم معنایی پیشنهادی فرهنگ‌نگار سامان می‌دهد.

عدم صحت، اشتباه، نادرستی، بداخلاقی، فساد، بی‌روشی wrongness  
این معادل‌ها را براساس اطلاعات استاد خرمشاهی می‌توان به این شکل از هم متمایز ساخت:

۱. عدم صحت، اشتباه، نادرستی ۲. بداخلاقی ۳. فساد ۴. بی‌روشی
  ۱. عتاب ۲. شیرینی زله‌وار، لرزانی، شیلان/شیلاتک، تبرخون/طبرخون jujube
  - شیلان، شیلاتک، تبرخون و طبرخون همگی عتاب هستند و باید ذیل شمارهٔ ۱ می‌آمدند.
- موارد دیگر:

do justice for sb/sth

بی‌انصافی نکردن (در حق کسی)، بی‌انصاف نبودن (درباره/در حق کسی)، حق (چیزی را) ادا کردن/ به‌جا آوردن، از خجالت/ شرمندگی (کسی/ چیزی) درآمدن، حساسی خوردن/ نوشیدن، دلی از عزا درآمدن، حساسی سروقت (غذا/ نوشیدنی) رفتن، به خدمت (غذاها/ خوراکی‌ها) رسیدن

yummy

خوشمزه، خوب، مطبوع، خوشگل، خوش‌قیافه، خوش‌گوشت

sacred

۳. قدسی، محترم، مصون

به خود پیچیدن، پیچ‌وتاب خوردن، تقلا کردن، عذاب کشیدن، معذب بودن، رنج کشیدن، کلافه شدن

writhe

اطلاعات عرضه‌شده در مورد اعلام گاهی کافی نیست یا ناقص است. ذیل مدخل صدام حسین از جنگ با ایران و کویت هیچ صحبتی نشده.

Wuhou

- ووهو، همسر امپراتور چین در دوران دودمان تانگ

دوران تانگ بر طبق فرهنگ‌دانشنامهٔ کارا از ۶۱۸ تا ۹۰۷ میلادی بوده. حال پیدا کنید دورهٔ حیات بانو ووهو و شوهر یا شوهرانش را! این خانم (۶۲۸-۷۰۵) ابتدا متعهٔ امپراتور تیانزونگ و سپس همسر پسر او می‌شود.

نبردهای ایپره، سه نبرد سنگین در جنگ جهانی اول در فلاندر غربی (۱۹۱۴-۱۹۱۷) Ypres,

## Battles of فلاندر غربی کجاست؟

Napoleon

ناپلئون، بُناپارت (۱۷۶۹-۱۸۲۱)، امپراتور فرانسه، افسر ارتش فرانسه که در ۲۴ سالگی به درجهٔ سرتیپی رسید و پس از لشکرکشی به مصر و ایتالیا و پیروزی در کودتایی قدرت سیاسی فرانسه را به‌دست گرفت.

آخر و عاقبت ناپلئون به همین جا ختم نمی‌شود.

طبیعی است که نام افراد و آثار بزرگ در فرهنگ‌ها و دانشنامه‌ها ثبت می‌شوند. به‌جای آوردن صفات ارزشی «سترج»، «معروف» یا عبارت‌هایی مثل «کشفیات مهمی دارد» باید به ماهیت کارشان اشاره کرد:

آناپاز، آناپاسیس، اثری سترج از گزنفون که در هفت کتاب تألیف شده است. anabasis توضیح لازم: عنوان کتاب باید با حرف بزرگ شروع شود.

یالو،...بانوی آمریکایی دانشمند در رشتهٔ فیزیک هسته‌ای که کشفیات علمی مهمی دارد. Yalow Jung...

یونگ، کارل گوستاو، پزشک و روانپزشک و روان‌شناس سرشناس سوئیسی... وی مدتها شاگرد فروید روانکاو معروف اتریشی بود.

جمال‌الدین افغانی،...حکیم و فیلسوف ترقی‌طلب و آزادی‌خواه معروف شرق... Jamal ad-Din al- Afghani

و نیز ← Jeffreys, Sir Harod و Yaspers

فرهنگ دوزبانه معادل‌های واژگان خارجی و اطلاعات دستوری و معنایی و منظورشناختی و ... دربارهٔ سرمدخل را (که خارجی است) به‌دست می‌دهد. در فرهنگ دانشنامهٔ کاراطلاعاتی دربارهٔ معادل‌های فارسی آمده که ربطی به فرهنگ دوزبانه ندارد و آن‌ها را می‌توان در فرهنگ تک‌زبانه آورد. در مفیدبودن این اطلاعات شکی نیست ولی فرهنگ دوزبانه جای موارد زیر نیست بلکه جای آن در فرهنگ تک‌زبانه است، البته آن‌هم به‌تشخیص نویسندهٔ فرهنگ تک‌زبانه و نوع فرهنگ.

بغ کرده [گویا بُغ، کوتاه‌شدهٔ بُغض است] tight-lipped  
کلاشینکف [اسلحه] [در ایران کلاشینکف تلفظ می‌شود]. Kalashinkov  
۹. مایه، مایه‌تبله، مایه‌پایه [مایه‌پایه، از روش اتباع ساخته شده‌است]. jack  
«از روش... ساخته شده است» یعنی چه؟

فرهنگ دانشنامهٔ کاراکتاب مرجعی است که از جامعه و فرهنگ بیگانه‌ای وارد زبان فارسی و جامعه و فرهنگ ایران می‌شود و در انتخاب معادل‌ها باید مسائل فرهنگی را در نظر گرفت. مثلاً:

crusade جهاد، جنگ مقدس... جهاد کردن  
crusader مجاهد صلیبی، جهادگر

«جنگ مقدس» معادل درستی است. اما «جهاد» عبارت است از جنگ مقدس مسلمانان و کفار و منظور از crusade جنگ مقدس مسیحیان است که در ابتدا علیه مسلمانان بود و در بین

فصلنامهٔ نقد کتاب

ادبیات

سال دوم، شمارهٔ ۵  
بهار ۱۳۹۵

۵۶

ما به جنگ صلیبی شهرت دارد. «بیت‌المال» نیز مفهومی است که در زبان و فرهنگ انگلیسی نیست تا بتوانیم چنین بگوییم:

۲. سفر / مسافرت پر خرج دولتی... [که از بودجه بیت‌المال صرف هزینه می‌شود] junket  
ژانگ دائولینگ... مؤسس و نخستین بطریق آیین نظام‌یافته و دینی دائو/ تائو Zhang Daoling  
بطریق از مقامات ارشد روحانیت مسیحی است. آیا می‌توان آن را برای مذاهب دیگر به کار برد؟  
اگر من بگویم کلیسای بودایی و کنیسه زرتشتی، درست گفته‌ام؟

وظیفه فرهنگ دوزبانه دادن معادل برای واژگان زبان مبدأ است، مگر این که معادلی در زبان مقصد برایشان وجود نداشته باشد. موارد زیر در فارسی معادل دارند و آوردن صورت انگلیسی توجیهی ندارد:

ka-ching کچین، جیرینگ (صورت تعجب، غیر رسمی)، به‌ویژه هنگامی گفته می‌شود که فردی پول هنگفتی به‌دست می‌آورد. این نام‌آوا نوعی تقلید صدای صندوق پرداخت پول است.

yay یی، هنگام خشنودی گفته می‌شود [مانند به‌به، آخ‌جون]

John Doe

۱. جان دوو، فلاتی، طرف مورد نظر، طرف مربوط، آقاخانم ایکس [نام شخص مجهول الاسم اعم از زن و مرد در حقوق آمریکا]

وقتی از برچسب «کشتی» برای «میلۀ افقی دکل» استفاده می‌شود، دیگر نیازی به برچسب «فنی» نیست. وقتی از برچسب «فوتبال آمریکایی» در مدخل yardage استفاده می‌شود، دیگر نیازی به برچسب «فنی» نیست.

junior ... سال سومی (دانشجو) [در دانشگاه]  
wringler دستگاه رخت خشک‌کنی [پارچه]

برخی از برچسب‌ها به‌ویژه برچسب‌های حوزه کاربرد کلمه آن گاه نالازم و حشوند که خود معادل‌ها ماهیت سرمدخل را مشخص می‌سازند:

yardage مسافت [به یارد] که یک تیم یا بازیکن به جلو حرکت کرده‌است  
[فوتبال آمریکایی] (فنی)

jamb ۱. بائو/ باو، بخش قائم و عمودی و کنار چهارچوب در، پنجره، و ... (نجاری)  
the javelin [مسابقه] پرتاب نیزه (ورزش)

jaws آرواره، فکین، دندانها... [انسان/ جانور]

jejunum تهی روده، روده صائم (کالبدشناسی)

judgement ۲. حکم/ رأی دادگاه (حقوق)

کثرت دانش استاد خرمشاهی و غوطه‌ور شدن در آثار قدیمی باعث شده واژگان مهجور و متروک گاهی راه خود را به فرهنگ دانشنامه کارا پیدا کنند:

defective معیّب

|           |                           |
|-----------|---------------------------|
| anaemia   | همان معیوب خودمان است.    |
| tillage   | فقرالدم                   |
| ganger    | همان کم‌خونی خودمان.      |
| caused    | ... حرث                   |
| caw       | ... هیون، جَمَازَه، تَوند |
| saddlebag | کذا. اسب تیزرو.           |
| sabre     | ... معلل                  |
|           | ... نعیق، مروا            |
|           | ... فتراک                 |
|           | ... شوشکه                 |

فصلنامه نقد کتاب

## ادبیات

سال دوم، شماره ۵  
بهار ۱۳۹۵

۵۸

فرهنگ عمومی جای واژگان مهجور نیست و کلمات انگلیسی‌ای که در این جا آمده‌اند واژگان مهجور انگلیسی نیستند که معادل قدیمی برایشان پذیرفتنی باشد.

عبارت «سنجیده با واژگان مصوب فرهنگستان» صرفاً به منظور اعتبار بخشیدن به این فرهنگ‌دانشنامه آمده‌است و مبنای علمی ندارد. فرهنگستان واژه و اصطلاحی را تصویب می‌کند که باید به مرور زمان و طبق قضاوت اهل زبان و نیز متخصصان رشته‌های علمی و فنی در نهایت پذیرفته و وارد زبان مردم و زبان اهل فن شود و رواج یابد. بدیهی است واژه‌ها و اصطلاحاتی که هنوز مُهر قبول مردم و اهل فن را نگرفته باشند نمی‌توان در فرهنگ عمومی ثبت کرد و جزء واژگان عمومی زبان به‌شمار آورد.

فرهنگ‌دانشنامه کارابرای واژه‌هایی که از قبل هم در زبان عمومی کاربرد داشتند برچسب «ف» یعنی مصوب فرهنگستان آورده از جمله:

|            |             |
|------------|-------------|
| racial     | نژادی       |
| defective  | معیوب       |
| parliamant | مجلس        |
| yield      | بهره، محصول |
| sadness    | غمگینی      |

وظیفه فرهنگ‌نگار توصیف زبان است. اعتقادات شخصی او نباید در فرهنگ و کتاب مرجع بیاید. در مدخل Jew هم اعتقادات سیاسی استاد خرمشاهی آمده و هم توجه نشده‌است که همه یهودیان «تجاوزگر و غاصب قدس شریف» نیستند. و آیا ضیاء الحق واقعاً در پی برقراری نظام راستین اسلام بود؟

Jew

یهودی... یهودیان از سامیان هستند و دین توحیدی دارند، ولی امروزه تجاوزگر و غاصب قدس شریف‌اند.

ضیاءالحق... که هدف وی ساختن بمب اتمی و برقراری نظام راستین اسلامی بود.

مقولهٔ دستوری (determiner) det، تخصیص‌گر، یعنی واژه‌هایی مثل (any, some, a, your) در «کوتاهه‌های به‌کاررفته در این فرهنگ» نیامده و فرق بین برچسب‌های «غیررسمی» و «غیراستاندارد» نیز مشخص نشده‌است. برچسب «غیرمجاز» یعنی چه؟ در مقدمه توضیحی داده نشده که این نشانه به چه منظوری به‌کار رفته. اولین پیوست جلد چهارم «افعال بی‌قاعده» (Irregular Verbs)، هم‌چنین حالات مختلف do, be, have و مگر این سه فعل جدای از افعال بی‌قاعده‌اند که نیازی به این توضیح باشد؟

فرهنگ - دانشنامهٔ کارگاه به فرهنگ‌های حییم، پویا، و هزاره «مراجعةٔ مشورتی» (پانزده: ج ۱) داشته‌است. هر پژوهش انگلیسی - فارسی بدون مراجعهٔ مشورتی به فرهنگ نشر نو با اِشرافی که مؤلف آن به فرهنگ‌نویسی و واژگان‌نگاری و زبان فارسی و انگلیسی دارد چیزی کم دارد. این که فرهنگ انگلیسی - فارسی هم آوانگاشت انگلیسی بریتانیایی و هم آمریکایی را در بر داشته‌باشد و هم تفاوت‌های واژگان این دو گونه از زبان انگلیسی را (هفت: ج ۱) چیز عجیبی نیست و ویژگی منحصربه‌فرد به‌شمار نمی‌رود. فرهنگ‌های هزاره، پویا، نشر نو، و آریانپور همگی از این ویژگی برخوردارند.

معیارهای شمول یا عدم شمول اعلام تصریح نشده و نیز ملاک‌های افزودن اقلام واژگانی به آن چه در منابع اصلی (فرهنگ دانشنامه‌ای زبان آموزان پیشرفتهٔ آکسفورد و فرهنگ زبان آموزان پیشرفتهٔ آکسفورد) بوده معین نشده‌است.

مهران بذرای «ویراستار ارشد» است اما معلوم نیست ویراستار یا ویراستاران غیرارشد چه کسی یا کسانی هستند.

فرهنگ - دانشنامهٔ کارابخش مستقلی به نام «راهنمای استفاده از فرهنگ» ندارد. بعضی از فرهنگ‌ها حتی دو نوع راهنما دارند: راهنمای تشریحی و راهنمای نموداری.

موارد دیگری که شایستهٔ توجه است و شاید در فرصتی دیگر به آن‌ها پرداختم یا بهتر است دیگران به این مسائل توجه کنند عبارت‌اند از:

- نظام مدخل‌بندی، از هر نظر
- ترتیب الفبایی مدخل‌ها
- ترتیب مدخل‌های مشترک واژگان و اعلام و نیز ترتیب داخلی اعلام چندمعنا مثل نام‌های زبان‌ها و ملیت‌ها و قومیت‌ها
- کم‌بودن یا نبودن شواهد کلامی و تصویری
- نسبت واژه‌های تخصصی و فنی در متن
- کنترل نظام ارجاعات
- انطباق دستوری معادل با مقولهٔ دستوریِ سرمدخل
- تعداد ناپذیرفتنی غلط‌های تایپی
- حذف یادداشت‌ها و تذکرات دستوری، کاربردی (usage)، منظورشناختی (pragmatic)، باهم‌آیی (collocation) و... که جزء اطلاعات مهم فرهنگ‌های زبان آموزند.

## فرجام‌سخن

شکی نیست که احمد شاملو شاعری بزرگ است و از بنیان‌گذاران فرهنگ و هنر ایران معاصر (شاملو در دستور زبان فارسی هم حرف‌های تازه‌ای دارد) و شکی نیست که استاد خرمشاهی ترجمه‌هایی عالی دارند و آثار برجسته‌ای خلق کرده‌اند اما با نگاهی به دو اثری که این دو پدید آورده‌اند (کتاب کوچه و فرهنگ-دانشنامه کار<sup>۱</sup>) نمی‌توان گفت با کتاب‌های مرجع خوبی سروکار داریم. درست است که مطالعه کتاب کوچه بسیار فرحبخش است ولی اصول تدوین و تألیف کتاب مرجع در آن رعایت نشده. قدیمی‌ها می‌گفتند «پهلوان از پرفنی به زمین می‌خورد». دانش و تجربه سالیان دراز شاملو و خرمشاهی باعث شده به این تصور نادرست برسند که می‌توانند کتاب مرجع خوبی هم تألیف کنند.

زبان شاخه‌ها و زیرشاخه‌های گوناگونی دارد. صرف اشراف بر یک یا چند شاخه از آن، ما را صاحب صلاحیت در همه ابعاد آن نمی‌کند. گستردگی و اهمیت زبان آموزی و ترجمه بر ضرورت دقت و توجه عمیق‌تر به فرهنگ‌های دوزبانه می‌افزاید. برخی از فرهنگ‌های دوزبانه موجود مانند پویا، نشر نو و هزاره به درجات بالایی از تخصص فرهنگ‌نگاری نائل آمده‌اند و فرهنگ دوزبانه جدید طبعاً باید برتر و بالاتر از این اثرها باشد. افزایش حجم فرهنگ نسبت به فرهنگ‌های قبلی، قطعاً عنصر مؤثری است اما این کار براساس پیکره مشخص، برنامه‌ریزی دقیق، تعیین روش‌ها و پایبندی به آن‌ها و... صورت می‌گیرد. فرهنگ-دانشنامه کار<sup>۱</sup> در فرهنگ‌نگاری دوزبانه امروزی ما گامی است به عقب. قدر مسلم این است که استاد بهاءالدین خرمشاهی و همکاران‌شان زحمات فراوانی در تدوین این اثر کشیده‌اند اما دوباره با استعانت از گفتار محمد طباطبایی (۱۳۶۲: ۱۹۱) یعنی «غنای کوشش و فقر روش در فرهنگ‌نویسی» می‌توان گفت که اصلی‌ترین مشکل فرهنگ-دانشنامه کار<sup>۱</sup> نداشتن روش است و نداشتن تصویری روشن از فرهنگ‌نگاری دوزبانه، فرهنگ دانشنامه‌ای و مخاطب فرهنگ.

با وجود این که در بسیاری از رشته‌ها و حرفه‌ها آموزش نظری و علمی داریم که سرانجام متخصصی تربیت می‌شود، چنین نظامی در مورد فرهنگ‌نگاری و کتاب‌های مرجع در کار نیست و فرهنگ‌نگاری هنوز رشته‌ای است که در آن متخصص و کارشناس واقعی به تعداد کم‌تر از انگشتان دست داریم.

## پی‌نوشت

۱. اگر این فرهنگ‌ها را از نظر دقت و صحت دسته‌بندی کنم ترتیب چنین خواهد بود: ۱. نشر نو، ۲. پویا و ۳. هزاره و اگر از نظر حجم فرهنگ و طبعاً کارآمدی آن‌ها برای مراجعه‌کننده دسته‌بندی کنم ترتیب چنین خواهد بود: ۱. هزاره، ۲. پویا و ۳. نشر نو.

## کتاب‌نامه

باطنی، محمدرضا. ۱۳۸۵، فرهنگ معاصر پویه انگلیسی به فارسی، تهران، فرهنگ معاصر.  
جعفری، محمدرضا. ۱۳۸۴، فرهنگ فشرده نشر نو، انگلیسی-انگلیسی، فارسی-انگلیسی، تهران، انتشارات حق شناس، علی محمد، حسین سامعی و نرگس انتخابی. ۱۳۷۹، فرهنگ معاصر هزاره، انگلیسی-

فصلنامه نقد کتاب

## ادبیات

سال دوم، شماره ۵  
بهار ۱۳۹۵

۶۰

فارسی، تهران، فرهنگ معاصر.

سامعی، حسین. ۱۳۷۹، «فرهنگ دوزبانه»، فرهنگ معاصر هزاره، صص ۲۳-۷.

طباطبایی، محمد. ۱۳۴۸، «فرهنگ کامل انگلیسی-فارسی» [نقد فرهنگ انگلیسی-فارسی عباس و منوچهر آریان‌پور کاشانی]، سخن، ماهنامه دانش و فن، س ۸، ش ۷، صص ۳۵۵-۳۵۳.

\_\_\_\_\_، ۱۳۶۲، «غنای کوشش و فقر روش در فرهنگ‌نویسی» [نقد فرهنگ اصطلاحات

نجومی، ابوالفضل مصفی]، نقد آگاه در بررسی آراء و آثار، تهران، آگاه، صص ۲۱۸-۱۹۱.

هاشمی میناباد، حسن. ۱۳۸۶، مجموعه مقالات فرهنگ‌نگاری، تهران، نشر آثار فرهنگستان زبان و ادب فارسی.

Burkhanov, Igor comp. 1998, *Lexicography: A Dictionary of Basic Terminology*, Rzeszów: Wydawnictwo Wyższej Szkoły Pedagogicznej Rzeszów.

Crower, Jonathan. 1992. *Oxford Advanced Learner's Encyclopedic Dictionary*. Oxford: Oxford University Press.

Hawkins, J. M. 1988. *Oxford Reference Dictionary*. Oxford: Oxford University Press.

Hawkins, J. M. and R. Allen. 1991. *Oxford Encyclopedic Dictionary*. Oxford: Oxford University Press.

Hawkins, J. M. 1988. *Oxford Reference Dictionary*. Oxford: Oxford University Press.

Hawkins, J. M. and R. Allen. 1991. *Oxford Encyclopedic Dictionary*. Oxford: Oxford University Press.

Jackson, Howard. 2002, *Lexicography. An Introduction*, London & New York: Routledge/Taylor & Francis.

----- ed. (2013) *The Bloomsbury Companion to Lexicography*, LONDON: Bloomsbury Academic.

Kromann, Hans-Peder et al. 1991, Principles of bilingual Lexicography in F.J. Hausman et al, *Dictionaries: An International Encyclopedia of Lexicography*, Vol. 3. Berlin: Walter de Gruyter. P. 271.

Steiner, Roger J. 1984, Guidelines for Reviewers of Bilingual Dictionaries, *Dictionaries: Journal of the Dictionary Society of North America*, No. 6, pp. 166-181.

Sue Atkins, B. T., and Michael Rundell. 2008, *The Oxford Guide to Practical Lexicography*, Oxford: Oxford University Press.

Van Sterkenburg, Piet G.J. ed. 2003, *A Practical Guide to Lexicography* (Terminology and Lexicography Research and Practice 6), Amsterdam: J. Benjamins.

Webster's Encyclopedic Unabridged Dictionary of the English Language. 1996. New York: Gramercy Books.

Yong, Heming and Jing Peng. 2007, *Bilingual lexicography from a communicative perspective*, Amsterdam / Philadelphia: John Benjamins.

جدول تعداد و درصد صفحات هر حرف انگلیسی در چهار فرهنگ دانشنامه ای انگلیسی و فرهنگ-دانشنامه کارا

|           | تعداد صفحات متن | تعداد صفحات پیوست ها | A    | B    | C     | D     | E    | F      | G     |
|-----------|-----------------|----------------------|------|------|-------|-------|------|--------|-------|
| ۱         | ۱۰۶۰            | ۲۱                   | ۵۸   | ۶۵   | ۱۰۲   | ۵۳    | ۲۹   | ۵۰     | ۳۹    |
| ۲         | ۲۲۱۴            | ۱۴                   | ۱۴۷  | ۱۴۱  | ۲۱۲   | ۱۱۱   | ۷۷   | ۹۱     | ۷۶    |
| ۳         | ۹۵۵             | ۲۴                   | ۵۷   | ۶۲   | ۸۹    | ۴۶    | ۳۵   | ۳۸     | ۳۷    |
| ۴         | ۱۶۸۴            | ۹۸                   | ۹۸   | ۱۰۵  | ۱۵۷   | ۸۷    | ۵۷   | ۶۸     | ۶۲    |
| تعداد ا-۴ | ۵۹۱۳            | ۱۵۷                  | ۳۶۰  | ۳۷۳  | ۵۶۰   | ۲۹۷   | ۱۹۸  | ۲۴۷    | ۲۱۴   |
| درصد کل   | -               | -                    | ۶۰.۸ | ۶۰.۳ | ۹.۴۷  | ۵۰.۲  | ۳.۳۴ | ۴.۱۷   | ۳.۶۱  |
| کارا      | ۲۶۶۱            | ۱۱۱۸                 | ۱۷۹  | ۱۳۷  | ۲۸۶   | ۱۷۳   | ۱۰۷  | ۱۸۵    | ۱۴۳   |
| درصد      | -               | -                    | ۶.۷۲ | ۵.۱۴ | ۱۰.۷۴ | ۶.۵۰  | ۴.۰۲ | ۶.۹۵   | ۵.۳۷  |
| تفاوت     | -               | -                    | +۶۴  | -۸۹  | +۱.۲۷ | +۱.۴۸ | +۶۸  | +۰.۲۷۸ | +۱.۷۶ |

فصلنامه نقد کتاب

## ادبیات

سال دوم، شماره ۵  
بهار ۱۳۹۵

۶۲

|           | H    | I     | J     | K     | L    | M     | N    | O    | P     | Q     |
|-----------|------|-------|-------|-------|------|-------|------|------|-------|-------|
| ۱         | ۴۱   | ۳۶    | ۱۰    | ۱۰    | ۳۷   | ۵۵    | ۲۳   | ۲۵   | ۹۲    | ۶     |
| ۲         | ۹۰   | ۷۳    | ۲۳    | ۲۹    | ۷۹   | ۱۲۴   | ۶۰   | ۵۷   | ۱۵۸   | ۱۳    |
| ۳         | ۴۳   | ۲۹    | ۱۲    | ۱۱    | ۳۶   | ۶۰    | ۲۳   | ۲۳   | ۷۴    | ۴.۵   |
| ۴         | ۶۹   | ۵۳    | ۱۸.۵  | ۲۳    | ۶۴   | ۹۹    | ۴۰   | ۴۱   | ۱۳۶   | ۹     |
| تعداد ا-۴ | ۲۴۳  | ۱۹۱   | ۶۳.۵  | ۷۳    | ۲۱۶  | ۳۳۸   | ۱۴۶  | ۱۴۶  | ۴۶۰   | ۳۲.۵  |
| درصد کل   | ۴.۱۰ | ۳.۲۳  | ۱.۰۷  | ۱.۲۰  | ۳.۶۵ | ۵.۷۱  | ۲.۴۶ | ۲.۴۶ | ۷.۷۷  | ۵.۴   |
| اراک      | ۱۲۷  | ۱۱۸   | ۳۴    | ۲۵    | ۷۵   | ۱۱۲   | ۴۲   | ۵۰   | ۱۷۳   | ۹.۵   |
| درصد      | ۴.۷۷ | ۴.۴۳  | ۱.۲۷  | ۰.۹۳  | ۲.۸۱ | ۴.۲۰  | ۱.۵۷ | ۱.۸۷ | ۶.۵۰  | ۳.۵   |
| تفاوت     | +۶۰  | +۱.۲۰ | +۰.۲۰ | -۰.۲۷ | -۸۴  | -۱.۵۱ | -۸۹  | -۵۹  | -۱.۲۷ | -۰.۱۹ |

|           | R     | S     | T      | U     | V     | W     | X    | Y    | Z    |
|-----------|-------|-------|--------|-------|-------|-------|------|------|------|
| ۱         | ۵۷    | ۱۳۰   | ۵۶     | ۱۷    | ۱۴    | ۳۸    | ۵    | ۴    | ۲.۵  |
| ۲         | ۹۸    | ۲۴۵   | ۱۱۶    | ۵۲    | ۵۳    | ۶۰    | ۲.۵  | ۹    | ۸    |
| ۳         | ۴۴    | ۱۱۱   | ۵۴     | ۱۳    | ۱۷    | ۲۹    | ۱    | ۳    | ۳    |
| ۴         | ۸۳    | ۱۹۸   | ۹۳     | ۳۳    | ۲۸    | ۴۹    | ۲    | ۶    | ۵    |
| تعداد ا-۴ | ۲۸۲   | ۶۸۴   | ۳۱۹    | ۱۱۵   | ۱۱۲   | ۱۷۶   | ۶    | ۲۲   | ۱۸.۵ |
| درصد کل   | ۴.۷۶  | ۱۱.۵۶ | ۵.۳۹   | ۱.۹۴  | ۱.۸۹  | ۲.۹۷  | ۰.۱۰ | ۰.۳۷ | ۰.۳۱ |
| کارا      | ۱۰۷   | ۲۵۲   | ۱۱۳    | ۴۸    | ۳۴    | ۷۴    | ۲    | ۱۰   | ۸    |
| درصد      | ۴.۰۲  | ۹.۴۷  | ۴.۲۴   | ۱.۸۰  | ۱.۲۷  | ۲.۷۸  | ۰.۷  | ۰.۳۷ | ۰.۳۰ |
| تفاوت     | -۰.۷۴ | -۲.۰۹ | -۱۰.۱۵ | -۰.۱۴ | -۰.۵۲ | -۰.۱۹ | -۰.۳ | =    | -۰.۱ |